

## نگرشی پیرامون وضعیت عشایر و نقش و جایگاه آنها در ایجاد هویت ملی و امنیت ملی

\*منصور عاشقی

### چکیده

عشایر ایران، همواره در تامین امنیت ملی و هویت ملی کشور، نقش و جایگاه رفیع و مهمی داشته‌اند. آنان در راستای حفظ امنیت کشور و مصون سازی کیان کشور از تهدیدات داخلی و خارجی، همیشه مشارکت داشته و دارند. اما باید توجه نمود که مدنظر داشتن ساخت سنتی - اجتماعی و شیوه زندگی و ظواهر فرهنگی جامعه عشایر و عرف حاکم بر جامعه آنها، از جمله ضرورت‌های اولیه تجلی هویت ملی و تامین امنیت ملی است.

بر همین اساس برای تعیین نقش عشایر در ایجاد امنیت ملی و هویت ملی، قبل از هر چیز نیاز به آن داریم که یک سیمای کلی از جامعه عشایری ترسیم کنیم. از این رویکرد، باید به جامعه عشایری و تعامل آن با دیگر جوامع امروزی ایران پرداخت و مشکلات و چالش‌های فراروی جامعه عشایری را مورد تبیین و بررسی قرار داد. بدیهی است که برای تجلی هویت ملی و ایجاد امنیت ملی، باید شرایط و فضایی بوجود آید که عشایر بتوانند ارزشها و اهداف حیاتی خود را توسعه دهند و هویتشان به درستی مورد شناسایی و تایید قرار گیرد. آنچه آشکار و مشخص است اینکه میان عشایر و هویت ملی و امنیت ملی، رابطه ای محکم و قوی وجود دارد.

واژگان کلیدی: عشایر، جامعه عشایری، عشایر کوچنده، جامعه شهری، جامعه روستایی، هویت، هویت ملی، امنیت، امنیت ملی.

## مقدمه

از دیر باز تاکنون، عشایر ایران، نقش مهمی در تامین «امنیت ملی»<sup>۱</sup> و «هویت ملی» ایران داشته‌اند. در جامعه عشایری، حس مسئولیت پذیری عشایر، زمینه بالقوه‌ای را برای شکوفایی مشارکت آنها در خصوص شکل‌گیری هویت ملی و استقرار نظم و تامین امنیت ملی فراهم آورده است. اما نکته اساسی اینجاست که برای ایجاد فضای لازم جهت بروز این مشارکت، ضرورت دارد که به آموزش همگانی و هماهنگ سازی افکار عشایر با مقاصد امنیت ملی، بیشتر توجه نمود.

آنچه مشخص است، هر زمان میزان احساس هویت ملی و امنیت عمومی<sup>۲</sup> در جامعه عشایری، نوسان می‌یابد، امنیت نیز به همان نسبت، تقویت یا تضعیف می‌گردد. بر این اساس، توجه به هویت عشایر و احساس امنیت آنها، نقشی مهم در افزایش امنیت ملی دارد. از این رویکرد، توجه به ساخت سستی- اجتماعی و شیوه زندگی و ظواهر فرهنگی جامعه عشایری و عرف حاکم بر جامعه آنها، از جمله ضرورت‌های تنظیم روابط صحیح اجتماعی و شکل‌گیری هویت ملی و برقراری نظم و امنیت ملی است. لذا نفس مطرح شدن این موضوع در نوع خود، تلاشی است شایسته و بایسته، اما قبل از هر سخنی، لازم است که در خصوص جامعه عشایری، یک سیمای کلی را ترسیم کنیم. از این منظور در جهت تبیین مفهوم و شناخت عشایر و نقش آنها در حفظ فرهنگ و هویت ملی و حفظ امنیت ملی، باید به جامعه عشایری و تعادل آن با دیگر جوامع امروزی ایران (جامعه شهری و جامعه روستایی) پرداخت. از این رو، در نگاه اول، باید یک دید کلی نسبت به مفهوم جامعه عشایری داشته باشیم. جامعه‌ای که در آن، سطوح و ویژگی‌های مختلف و متعددی، مطرح هستند. جامعه عشایری را می‌توان با توجه به همین سطوح و ویژگی‌ها، تعریف کرد. اما پیش از آنکه بخواهیم جامعه عشایری را تعریف کنیم و نقش و جایگاه عشایر را در خصوص هویت ملی و امنیت ملی، مورد بررسی قرار دهیم، لازم است که هدف خود را مشخص نمائیم، چرا که تعریف، محصول روش‌شناسی پژوهشگر است. بر همین اساس، تعریفی را که ارائه می‌دهیم، می‌بایست

---

1- National security

2- General security

منظرهای مختلفی را دربرگیرد. بنابراین نیاز به آن داریم که مبنای تعریف خود را بر حسب ملاحظات مربوط به امنیت ملی و هویت ملی، سازماندهی کنیم.

با توجه بدین تفصیل، ما در این مقاله، نخست سعی می‌کنیم که از رهگذر تحلیل و تبیین خصوصیات عشایر، به تعریفی از جامعه عشایری نایل آییم و سپس نشانه‌ها و شاخصه‌های ساختاری- کارکردی یک جامعه عشایری و نیل به هویت ملی و امنیت ملی را در دستور کار خود قرار دهیم. باشد که بتوانیم جامعه عشایری را به گونه‌ای تعریف و تبیین کنیم که در آن، امکان مطالعه و بررسی زیر ساختهای عشایری در جهت تبیین هویت ملی و امنیت ملی فراهم شود.

### مفهوم شناسی

به لحاظ روش شناختی، مرسومترین و رایج‌ترین شیوه در تعریف و بررسی معنا و ماهیت هر مفهوم، این است که از جنبه موضوعی بدان بنگریم، براین اساس حال اگر بخواهیم آغازی بر گفتار خود تبیین کنیم، باید تعریف مشخص و دقیقی از برخی مفاهیم مورد اشاره در این مقاله، ارائه شوند و به عبارت بهتر به یک مفهوم شناسی همه جانبه، به عنوان پیش درآمد دست یابیم.

### عشایر

امروزه اصطلاح «عشایر»، از مفهوم وسیعی برخوردار است و از لحاظ ساختار اجتماعی؛ گروههای گوناگونی را با شیوه‌های معیشت و تولید متفاوت در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، واژه «عشایر»، امروزه معانی و مفاهیم متعددی را در اذهان تداعی می‌کند و هر کس از ظن خود در این خصوص نظریه‌پردازی می‌نماید و تحت تأثیر تعابیر و برداشتهای متعددی که از مفهوم «عشایر» وجود دارد، به بررسی، تبیین و تعریف عشایر می‌پردازد. لذا ما سعی می‌کنیم به رغم این تعدد معانی، به تعریفی کلی از چنین مفهوم عمیق و گسترده دست یابیم.

بر همین اساس است که می‌گوییم: عشایر، در واقع افرادی هستند که از ساختار ایلی قدرتمند، سرزمینی واحد و هویتی مشخص برخوردارند. هویتی که مورد قبول دیگران نیز می‌باشد. بدیهی است که «هویت» یکی از ابعاد اصلی تعریف «عشایر» می‌باشد. با ایسن

تفصیل، می توان گفت که «هویت»: «مفهومی است که همیشه بین «خودی» و «غیر» مطرح می شود، حد فاصلی است بین خودی و غیر. مثلاً یکی ترک است، دیگری کرد و نفر سوم بلوچ است. آنچه این گروه ها را از یکدیگر متمایز می سازد، تمایزات فرهنگی آنها از یکدیگر است که «هویت قومی» نامیده می شود» (میزگرد عشایر و هویت ایرانی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۷).

بنابر آنچه گفته شد، می توان بدین موضوع پی برد که یکی از عوامل شناساندهی «عشایر»، همانا مطالعه و بررسی هویت قومی آنهاست. از این رو، باید پذیرفت که در تبیین مفهوم «عشایر»؛ بررسی «هویت» امری ضروری است که آنچه تعریف مفهوم «عشایر» را آسانتر می کند، توجه به مولفه مهم «هویت» است که ما بالطبع در هنگام بحث از مقوله «هویت ملی»، به آن بیشتر خواهیم پرداخت. فقط آنچه در اینجا قابل ذکر است اینکه عشایر، جمعیتی سختکوش و مولد هستند که به تاریخ و گذشته خویش تعلق خاطر دارند و به صورت ریشه داری از هویت و شیوه های سنتی زندگی خود، دفاع می کنند.

### جامعه عشایری

بطور کلی جوامع کشور، به سه جامعه مستقل تقسیم می شوند که عبارتند از: جامعه شهری، جامعه روستایی و جامعه عشایری.

الف) جامعه شهری: جامعه شهری به جامعه ای گفته می شود که جمعیت شهرنشین آن از نصف کل جمعیت بیشتر باشد. بر این اساس، جامعه ایران تنها در چند سال اخیر، به جامعه ای شهری تبدیل شده است.

ب) جامعه روستایی: جامعه روستایی، نزدیک به نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهد. امروزه در بیشتر کشورها، جامعه و اقتصاد روستایی، زیربنای توسعه اقتصادی محسوب می شود. افراد جامعه روستایی، به عنوان نیروی بالقوه مولد، متعلق به بافتی از جامعه هستند که طبیعتاً دارای ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و در نتیجه، ستهای خاصی می باشند.

ج) جامعه عشایری: جامعه عشایری، از نظر اقتصادی، بستر نوعی شیوه تولید و از نظر اخلاقی ملی، بستر صفات روحی و اخلاق متعالی و برجسته است. افراد جامعه عشایری و در

واقع، بیشتر آنها، از مسائلی چون دروغ، رشوه‌خواری، خدعه و تزویر، رد و بند و کلاهبرداری و اشکال دیگر زندگی انگلی مبرا هستند.

بر این اساس، جامعه ای را «جامعه عشایری» می‌نامیم که دارای ساختاری مشخص و سرزمینی مشترک باشند و همه افراد آن، نسبت به سلسله مراتب و هویت خود، شناخت و آگاهی کافی داشته باشند.

«در گذشته، دو جامعه روستایی و عشایری را عموماً جامعه واحدی می‌پنداشتند، و برنامه ریزی برای آنها را بصورتی مشابه طراحی می‌کردند؛ زیرا ملاک‌های صحیحی برای شناخت این دو جامعه نداشتند؛ ولی اگر ما اقتصاد غالب زیستی این دو جامعه را مورد مطالعه قرار دهیم، مشاهده می‌گردد که کاملاً از هم متمایزند» (صفی نژاد، ۱۳۸۳، ص ۴۴).

آنچه مشخص است جامعه عشایری ما، امروزه نسبت به جامعه روستایی؛ در دام تنگناها و مشکلاتی پیچیده و بغرنج، گرفتار آمده و از نظر دسترسی به خدمات اجتماعی، مانند آموزش، بهداشت و درمان، از جوامع روستایی و نیز شهری عقب مانده است.

به عبارت دیگر: «جمعیت (جامعه) عشایری ایران که روزگاری با برخورداری از آزادی نسبی، تعمیم مالکیت بصورت دارایی دامی، بهره مندی از اعتدال هوا، خودکفایی نسبی و دسترسی به محصولات پر ارزشی مانند گوشت، شیر، روغن و فرآورده‌های شیری دیگر، زندگی دلخواهی داشت، هم اینک به حاشیه اجتماع و اقتصاد ایران رانده شده است. روندی که همچنان ادامه دارد و روبه تشدید است» (کیاوند، ۱۳۷۱، ص ۹۸).

با وجود این، باید اذعان نمود که هنوز بخشی از ظرفیت اقتصادی و فرهنگی کشور را جامعه عشایری تشکیل می‌دهد. از این رو، نباید چنین جامعه مولدی را به حال خود رها کرد و نقش تولیدی عشایر را به ویژه در بخش دامداری و فرآورده‌های دامی، نادیده گرفت. کاملاً آشکار است که با حاشیه راندن جامعه عشایری و با کم اهمیت شمردن نقش و جایگاه عشایر در جوامع ایرانی؛ کشور ما دچار آسیب‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی - امنیتی جبران ناپذیری خواهد شد.

لذا ضروری است جهت پیشگیری و جلوگیری از اینگونه مسائل و آسیب‌ها، به وجه تمایزات جامعه عشایری با جوامع شهری و روستایی، بیشتر توجه نماییم. بدون تردید عدم توجه کافی به این مولفه‌های متمایز کننده؛ مشکلات زیادی را به همراه دارد. بنابراین شایسته

خواهد بود که برای ارائه یک تصویر واقعی از جامعه عشایری، به برخی از ملاک های اساسی تفکیک کننده این جامعه از دیگر جوامع، به خصوص جامعه روستایی، اشاره نماییم:

«پایه و زیربنای فعالیت جامعه روستایی، بر آب و زمین و کشاورزی شکل گرفته، و فرهنگ جامعه بر اساس این اقتصاد غالب متبلور است. ولی در جامعه عشایری، این فعالیت غالب، بر پایه مرتع و دام استوار است و فرآورده های غالب آن نیز فرآورده های دامی است و فرهنگ جامعه نیز بر همین اساس جلوه گر است..... همه چیز در این جوامع از مرتع و دام می باشند مثلاً: فرهنگ نگهداری دام، تخصص در امور دامی، معتقدات به دام، عشق و علاقه به دام، اصطلاحات دامداری، شیوه های کوچ، تغذیه دامها در کوچ، ساخت سنتی اجتماعی، رده های قدرت، جنگلهای شکست و پیروزی به خاطر مرتع، نیاز به توسعه مرتع، نیاز به قدرت در حفظ و نگهداری مرتع، شیوه های بهره گیری از مرتع و فرهنگ مترتب بر آن؛ همه نشات گرفته از مرتع و دام می باشد، آن هم به شیوه ای سنتی» (صفی نژاد، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

البته در خصوص اقتصاد جامعه عشایری که مبتنی بر مرتع، دام و دامداری است؛ اطلاعات و آمار و ارقام مشخصی در دست نیست. فقط با توجه به برخی از تحقیقات به عمل آمده، حداقل تا چند دهه پیش، در سراسر کشور چیزی در حدود ۹۰٪ گوسفند و بز، در اختیار عشایر بود. بدین ترتیب می توان گفت که گوشت و روغن مورد مصرف ساکنان شهرها و نیز مواد خام صنعت فرش ایران از جمله پشم و کرک را افراد جامعه عشایری تولید می کرده اند. بر این اساس به نظر می رسد که هر خانواده عشایری (حداقل در گذشته)، از استقلال اقتصادی خاصی برخوردار می باشد.

لذا نمی توان به سادگی ماهیت اقتصادی در خور توجه جامعه عشایری را نادیده گرفت و در چارچوب تحولات و توسعه اقتصادی کشور؛ جایی برای عشایر باز نکرد و نقش اجتماعی و فرهنگی آنها را همچون اعصار و قرون گذشته در تولید ناخالص ملی و شکل گیری و تجلی هویت ملی و برقراری نظم و امنیت ملی: مورد توجه قرار نداد.

### عشایر کوچنده ایران

عشایر کوچنده، افرادی هستند که از راه رَمه داری و گله داری امرار معاش می کنند. در گذشته، گله و رَمه های عشایری نزدیک به ۱۰۰٪، به چراگاه های طبیعی وابسته بودند؛ اما

اکنون به دلیل اینکه چراگاههای کشور، به تعداد کافی وجود ندارند، گاه و جو و علوفه به طور دستی و به مقدار زیاد مورد استفاده دامهای عشایر قرار می‌گیرد.

به طور کلی عشایر کوچنده مردمی هستند که ویژگی‌های ذیل را دارا باشند:

۱. ساخت اجتماعی عشیره، مبتنی بر سلسله مراتب ایلی

۲. اتکای اصلی معاش به دامداری.

۳. شیوه زندگی شبانی مبتنی بر کوچ (اکبری، میزبان، ۱۳۸۳، ص ۱۱).

عشایر کوچنده، در گذشته‌ای نه چندان دور، بخش مهم و قابل توجهی از جمعیت کشور و توان اقتصادی و نظامی آن را تشکیل می‌دادند.

«سرشماری سال ۱۳۶۶، عشایر کوچنده را شامل ۹۶ ایل، ۵۴۷ طایفه مستقل، ۱۸۰۲۲۳

خانوار و نزدیک به ۱۲۰۰۰۰۰ هزار نفر می‌داند» (کیاوند، ۱۳۷۱، ص ۹۸).

## هویت

مفهوم «هویت» پدیده‌ای چند لایه است که از «تصور خود» به معنای اخص فراتر می‌رود و موضع یابی و جهت یابی بیوگرافیک و حتی تاریخی را نیز در بر می‌گیرد. بر این اساس، هویت دارای عوامل و مراحل چند لایه و پویای فطری و اکتسابی و عوامل تحقق بخش است. «تردیدی نیست که هویت، جنبه‌های متعدد و متنوعی دارد و به اشکال گوناگون متجلی می‌گردد. از همین رو، ارائه تعریفی تام یا جامع از آن دشوار است. با این همه می‌توان گفت هویت، مجموعه ویژگی‌ها و خصایص بنیادین اجتماعی، فکری، فرهنگی، روانی، فلسفی، تاریخی، زیستی و عملی همسان گروه، جامعه یا ملتی است که بر همانندی و یگانگی ماهوی اعضای آن دلالت دارد و در یک ظرف زمانی و مکانی مشخص و به نحو آگاهانه‌ای، آنها را از سایر گروهها، جوامع و ملتها متمایز می‌سازد. به بیان دیگر، هویت پدیده‌ای اجتماعی و یافتن پاسخی روشن درباره «کیستی» و «چیستی» انسانهاست» (ملایی توانی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۸).

در حقیقت، هویت به مفهومی که در اینجا به کار می‌رود عبارت از تعریفی است که شخص از خود و وجود می‌نماید و به کمک آن، به پرسشهایی از قبیل «چیستم؟» و «چه می‌خواهم؟» پاسخ می‌دهد و از طریق آن به ابعاد شخصیت خود، یکپارچگی و انسجام نسبی می‌بخشد و در زمان و مکان و جامعه و از نظر روانی و رفتاری، موضع‌یابی و جهت‌یابی

می‌کند. بطور کلی، افراد به هر یک از هویت‌های خود، یک درجه تعهد دارند. هر چه به یک هویت خاص، تعهد بیشتری داشته باشند، آن هویت در سلسله مراتب بالاتری قرار می‌گیرد. با این تفصیلات، باید گفت که:

«هویت دارای دو رکن فردی و اجتماعی است. هویت اجتماعی به دلیل اهمیتش در شکل‌های متنوعی چون هویت قومی، نژادی، تباری، دینی، زبانی، طبقاتی، جنسی، ملی و در سطح بالاتر هویت انسانی متجلی می‌گردد. از آنجا که دوران زندگی یک فرد و دوره‌های تاریخی یک جامعه، همواره ثابت و پایرجا نمی‌ماند، کیستی و چیستی افراد متأثر از شرایط محیطی، میزان آگاهی‌ها و تعلقات افراد جامعه تغییر می‌کند و گاه ممکن است بر اساس منافع سیاسی یا ایدئولوژیک دگرگون شود... افراد جامعه برای یافتن هویت خود در هر برهه تاریخی ناگزیرند به پرسش‌های زیر، پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای بدهند تا در پرتو آن، پیوند هویت ملی و تاریخ تاحد زیادی روشن شود؛ ما به چه جامعه‌ای و با چه ساختار مادی و معنوی تعلق داریم؟ چه نوع روابط مادی و معنوی بر این جامعه حاکم است و ما را به آن پیوند می‌دهد؟ چرا و چگونه ما خود را جزئی از این جامعه احساس می‌کنیم؟ جلوه‌های این احساس تعلق چیست؟» (ملایی توانی، ۱۳۸۱، صص ۱۱۹-۱۱۸).

با توجه به همین پرسش‌ها و پاسخ‌ها، در حیطه مقوله «هویت»؛ می‌توان نتیجه گرفت که: عشایر از یک هویت فرهنگی و زبانی مستقل و واحد برخوردارند و علاوه بر این با عنایت به سرزمین شناخته شده خویش و حق و حقوقی که در آن دارند؛ به نوعی دارای یک هویت جغرافیایی نیز هستند.

اما نکته‌ای که در اینجا، یادآوری آن ضروری بنظر می‌رسد این است که به رغم هویت مستقل عشایر ایران؛ باید به خاطر داشت که هویت آنان، چیزی جدا از هویت قبایل کشور و هویت ملی نیست.

## هویت ملی

«هویت ملی»، را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

- ۱- بخش پایه‌های عقلی
- ۲- بخش سنت و فرهنگ



البته، بی‌گمان بین این دو بخش، طیف وسیعی از علم، دانش، خرد، دین، مذهب و اخلاق و هنر وجود دارد. به عبارت دیگر، آنچه مربوط به پایه‌های عقل و خرد است، در روی زمین، مشترک می‌باشد. مثل: قوانین، ریاضی، فیزیک و ... اما آنچه ملتها را از یکدیگر متمایز می‌نماید همانا مسائلی است که بین این دو بخش قرار دارد و بیشتر پایه‌های فرهنگی را در بر می‌گیرد و شاید بتوان گفت که یکی از ارکان اصلی هویت ملی ما، همان «فرهنگ ملی»<sup>۱</sup> است.

فرهنگ ملی، فرهنگ بارور و زاینده ای است که باعث می‌شود هویت فرهنگی و ملی یک کشور، در بند تجاوزگر و ایدئولوژی و مظاهر فرهنگ شرق و غرب قرار نگیرد. بر این اساس ضرورت دارد که با طرح مساله حفظ هویت فرهنگ ملی، تعادلی در جامعه ایجاد گردد. بر این اساس، نظریه «حفظ هویت فرهنگ ملی» به منظور ایجاد یک تکیه‌گاه نسبتاً مطمئن برای جلوگیری از غرق شدن در فرهنگ غرب و رفتن زیر سیطره ایدئولوژیک شرق، مطرح شده است.

با توجه بدین مطالب، موضوعی که باید در هنگام تعریف و تبیین هویت و هویت ملی، بدان دقت کرد همانا جنبه فرهنگی هویت است. از این روست که می‌گوییم:

«هویت، یک پدیده فرهنگی و ساختگی است، نه بیولوژیکی. بنابراین، قابل تغییر است و موجب تسهیل انطباق فرد با فرهنگ جدید می‌شود. به عنوان مثال، فردی که دارای خاستگاه قومی و ایلی است، پس از زندگی نسبتاً طولانی در محیط فرهنگی جدید و خارج از ایلی و عشیره خود، با آن فرهنگ منطبق خواهد شد» (میزگرد: عشایر و هویت ایرانی، ۱۳۸۳، ص ۳۰۲).

حتی برخی از نظریه پردازان معتقدند که: فرهنگ و هویت ملی، از مجموعه خرده فرهنگهای قومی و عشایر، تشکیل شده است: «اقوام و عشایر، علی‌رغم آنکه دارای خرده فرهنگهای خاص خود هستند، در عین حال، همه آنها دارای رگه‌ها و وجوه مشترک فراوانی هستند که مجموعاً در هویت و فرهنگ ملی تجلی می‌یابد. به عنوان مثال، وقتی از قوم لر بحث می‌کنیم، دارای وجوه مشترک فراوانی با سایر ایرانیان می‌باشند.

اولاً: مسلمان هستند، و مانند اکثریت مردم ایران پیرو مذهب تشیع می‌باشد؛

ثانیاً: برای لرها، شاهنامه و شاهنامه خوانی مهم است، و آداب و رسوم و اسامی فرزندان خود را از شاهنامه اخذ می کنند... مراسم سنتی ایلات و عشایر لر برای دفن مردگان، همان است که در شاهنامه توصیف شده است...

ثالثاً: زبان آنان ریشه در زبان فارسی دارد. پس فرهنگ ملی و وابستگی ملی ما گویای این است که همه اقوام مختلف، مجموعه ای به نام ایران را شناخته اند، و این مجموعه دارای هویتی به نام هویت ایرانی است، فرهنگ و تاریخ اقوام و ایلات، از تاریخ کشور جدا نیست. لکن اگر بپذیریم که فرهنگ های قومی و عشایری، نوعی آگاهی و ستایش نسبت به سنتها و رسوم خودی، و نیز احساس موفقیت در بهتر زندگی کردن به مردم می دهد؛ پس با هدایت درست، می توان آنها را به صورت یک عامل مثبت و سالم در زندگی اجتماعی در آورد. عاملی که در این «جهان دستخوش تغییر»، ایجاد هویت ملی، امنیت ملی و ثبات می کند.

### امنیت ملی

در ادامه بحث «هویت» و «هویت ملی»، باید بگوییم که «امنیت ملی»، به معنای امنیت کل یک «هویت اجتماعی - سیاسی» است. این واژه در مورد کشورها و حکومتها، هر دو، صدق می کند.

«امنیت ملی، به شویه زندگی مردمی که حکومت رادر دست دارند، مربوط می شود، از جمله به نوع سازماندهی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شان و نیز حقوقشان برای پرورش خویش تحت حاکمیت خودشان» (آزر و دیگری، ۱۳۷۹، صص ۳۳-۳۲).

اما با وجود این تفصیل، هنوز سؤال اینجاست که «امنیت ملی» چیست؟ و چه ویژگی هایی دارد؟ بر این اساس، برخی صاحب نظران، چنین پاسخ می دهند:

«مایکل اچ. اچ. لان می گوید: امنیت ملی، شامل خطمشی دفاعی سنتی و نیز عملیات های غیر نظامی یک دولت برای بیمه کردن ظرفیت کامل خود جهت بقا، به مثابه یک هستین و برای اعمال نفوذ و به انجام رسانیدن اهداف داخلی و بین المللی می باشد.

گیاکومولوسیانی معتقد است: امنیت ملی ممکن است به مثابه توانایی مقاومت و ایستادگی در برابر تجاوز از خارج، تعریف شود.

ریچارد کوپر می نویسد: امنیت ملی به معنی توان یک جامعه در حفظ و بهره گیری از فرهنگ و ارزش هایش می باشد» (لرنی، ۱۳۸۳، ص ۴۱).

با عنایت به تعاریف فوق، می توان چنین بیان نمود که امنیت ملی هم به مثابه وسیله نیل انسان و جوامع بشری به غایات خود، و هم به عنوان هدفی که ابزارها و امکانات مادی و معنوی در تحقیق این نیاز حیاتی به کارگرفته می شود، مطرح است.

براین اساس باید گفت:

«امنیت ملی تنها به امنیت حاکمان یا گروه های اکثریت قومی در جامعه مربوط نشده و بلکه تمامی عناصر گوناگون زبانی، مذهبی و نژادی و منافع آنها را در بر می گیرد.»  
بدین ترتیب تامین امنیت ملی به سود همه قشرها و شهروندان موجود در درون مرزهای جامعه ملی بوده و هرگونه چالش یا مشکل فراروی جامعه را نمی توان تنها دارای منشای خارجی دانست چرا که تهدیدهای امنیت ملی می توانند به چالش های مطرح شده از داخل مرزهای ملی نیز مرتبط باشند.

آنچه مسلم است اینکه گرچه وجود عشایر، برجستگی خاصی به جامعه ایرانی می دهد و از ویژگی های کهن ایران محسوب می شود، اما باید در نظر داشت که از سوی دیگر، بحرانهای گوناگون داخلی و خارجی می تواند این عامل را به پدیده ای زینبار برای وحدت کشور تبدیل کند. به عبارت دیگر، گرچه در گذشته تاریخی ایران؛ گروه های قومی از جمله عشایری، نقش بسزایی در ارتقای میراث فرهنگی، رشد و توسعه سیاسی و اقتصادی و دفاع از ایران در برابر تهدیدات خارجی داشته اند، اما تحولات به وقوع پیوسته اخیر؛ چه در ابعاد داخلی و چه در منطقه ای و بین المللی آن نشان می دهد که همین تنوع اقوام و قومیت گرایی، خود می تواند به نوعی، به عاملی جهت ظهور تهدیدها و چالش های جدی تبدیل شود... به تعبیر دیگر، گروه های عشایری و بطور کلی اقوام ایرانی؛ هم امتیاز و فرصت گرانبهایی در راه تحول و توسعه ایران بوده اند و هم می توانند در شرایط بحران های داخلی و خارجی؛ چالش هایی برای هویت و وحدت ملی و تمامیت ارضی و به عبارت دیگر امنیت ملی ایجاد کنند.

نگاهی به برخی از چالش های فراروی جامعه عشایری:

امروزه، جامعه عشایری ایران، با مشکلات و چالش های متعددی روبه روست که خالی از فایده نخواهد بود به برخی از مهمترین این چالش ها، اشاره نماییم. بی تردید چنین مسائل و چالش هایی، هر کدام به تنهایی می توانند هویت ملی و امنیت ملی را به خطراندازند.

۱- وضعیت سطح سواد و تحصیلات عشایر: جامعه عشایری ما، متأسفانه هنوز فاقد مدارس به تعداد کافی است. فقدان یا عدم دسترسی به مدارس (به ویژه در سطوح ابتدایی)، باعث گردیده که بخش عمده ای از جمعیت واجب‌التعلیم عشایر، مجبور به ترک تحصیل شوند و از نعمت سواد محروم گردند.

۲- کمبود منابع طبیعی و کاهش چراگاه‌ها: امروزه شاید مهمترین چالش و مشکل جامعه عشایری، همانا ماهیت اقتصادی است. به عبارت دیگر، از سه دهه پیش تاکنون، تهدید فزاینده ای متوجه مهمترین منبع شیوه تولید عشایری یعنی چراگاه‌ها شده است.

«در طول سه دهه ۴۰ و ۵۰ و ۶۰، میلیون‌ها هکتار از بهترین و غنی‌ترین چراگاه‌های عشایری، به تصرف کشت‌کاران درآمد و به اراضی زراعتی به ویژه دیم‌زارهای گندم و جو تبدیل شد... مشاهدات و مطالعات میدانی، حکایت از آن دارد که از آن زمان تاکنون، تقریباً همه چراگاه‌های خوب و درجه یک از چنگ عشایر و از دسترس رمه‌های عشایری خارج شده و به تصرف کشت‌کاران درآمده است. آثار وسیع شخم و دیم‌کاری‌های کم‌بهره در سراسر زاگرس، به قصد تصرف و انگیزه تصاحب انجام شده است. در نتیجه امروزه ظرفیت تعلیف چراگاه‌های درجه ۲، پاسخگوی نیاز تعلیف و چرای دام‌های عشایری نیست و عشایر، ناگزیر از تعلیف دام‌های خود با استفاده از کاه و جو و علوفه دستی شده‌اند. نتایج تحقیق در چهار ناحیه کشور، حاکی از آن است که در این نواحی، حدود ۲۰ درصد چراگاه‌ها از دست رفته است» (کیاوند، ۱۳۷۱، ص ۹۹).

۳- عدم دسترسی به تسهیلات و امکانات بهداشتی: در زمینه بهداشت و درمان، وضع عشایر، چندان مناسب نیست. دسترسی فوری عشایر به خدمات بهداشتی و درمانی در زیستگاه‌های خود تقریباً ناممکن است. اکثر این زیستگاه‌ها که شامل انواع چادر مانند: سیاه چادر، آلاچیق و کپر و ... می‌شوند فاقد حداقل امکانات زیستی و استانداردهای بهداشتی هستند.

۴- کاهش تعداد دام و افزایش هزینه‌های دامداری: چنانکه پیش از این نیز گفتیم، مبنای اقتصادی عشایر، بر پایه دامداری است. به عبارت دیگر، عشایر از راه دامداری و گله‌داری، امرار معاش می‌کنند. اما آنچه از بررسی‌های به عمل آمده، مشخص می‌گردد این است که به علت کمبود مراتع مناسب، روز به روز از تعداد دام‌های عشایر کاسته می‌شود و همزمان با آن،

هزینه های دامداری نیز افزایش می یابد. نتیجه چنین روندی، همانا فقیرتر شدن عشایر است و بس.

۵- عدم برخورداری از شاخصها و استانداردهای توسعه: متأسفانه بسیاری از عشایر، بویژه عشایر کوچنده، از شاخصهای توسعه برخوردار نیستند؛ به عنوان مثال، بهره جویی از برق که در همه جای دنیا، از شاخصهای توسعه به شمار می رود هنوز در زندگی جامعه عشایری، جا باز نکرده است.

۶- توسعه شهرها و گسترش شبکه راهها: امروزه جامعه عشایری مانند جامعه روستایی، با سیری شتابان در حال تبدیل شدن به جامعه شهری است. در حال حاضر، مظاهر شهرنشینی، در جوامع عشایری و روستایی؛ نمودی آشکار پیدا کرده و مدرنیسم و شهرگرایی، به تهدیدی جدی برای شیوه زندگی عشایری، تبدیل شده است.

۷- تحول در کشاورزی: در عرصه های کشاورزی، ما شاهد تحول عظیمی هستیم. تحولی که شاید به نوعی، شیوه زندگی عشایری و شرایط معیشتی عشایر را تحت تاثیر خود قرار دهد. چنانکه به علت همین تغییر و تحول، بیشتر چراگاه های خوب عشایر دامدار، به زمین های کشاورزی تبدیل شده است.

«ورود تراکتور به بخش کشاورزی و استفاده وسیع از آن در شخم و شیار زمین، بزرگترین تحول در چند دهه اخیر است که فضای تولید عشایری یعنی چراگاه ها را از دست آنان خارج ساخته و روز به روز این نوع شیوه تولید را بیشتر در محاصره گرفته و با سرعت فزاینده ای برای آن مضیقه ایجاد کرده است. تا به آنجا که حتی ایل راهها و مسیرهای عبور و مرور گله های عشایری نیز به زیر کشت رفته و معبرهای سنتی عشایر بسته شده است» (همان، ص ۱۰۰).

۸- عدم تخصیص منابع مالی کافی به عشایر: متأسفانه در راستای کمک به عشایر جهت ساماندهی وضعیت خویش و توسعه سطح زندگی و وضع اقتصادی خود و تقویت بخش صنایع دستی عشایری، به رغم تهدید صنعت و فناوری نوین و ماشینی؛ هنوز اقدام و گام های اساسی و جدی برداشته نشده و بودجه و منابع مالی خاصی بدین امور اختصاص نگردیده است.

## بررسی نقش و تاثیر عشایر بر شکل‌گیری هویت ملی و ایجاد امنیت ملی

بدون تردید تمام چالش‌ها و محدودیت‌های فراوری جامعه عشایری، می‌توانند به عنوان تهدیدات امنیتی؛ مانعی جدی در جهت شکل‌گیری هویت ملی و بالطبع ایجاد نظم و امنیت ملی، تلقی گردند.

بدیهی است که برای ایجاد امنیت و تجلی هویت، باید شرایط و فضایی بوجود آید که طی آن، یک ملت یا قوم یا ایل و طایفه بتواند ارزش‌ها و اهداف حیاتی خود را گسترش دهد و یا حداقل در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل عوامل خارجی و داخلی، آنها را حفظ کند. از این رو، ما زمانی می‌توانیم در این خصوص موفق عمل نماییم که سیاست‌های امنیتی مدون و منسجمی داشته باشیم و به ارزش‌های ملت یا طایفه‌ای احترام بگذاریم و هویت آنها را مورد شناسایی قرار دهیم.

براین اساس، ضرورت دارد که نقاط آسیب‌پذیر و چالش‌آفرین جامعه عشایری، بطور کامل و دقیق مورد توجه و بررسی قرار گیرند. تجربه تاریخی ایران و تحولات ایران معاصر، نشان می‌دهند که عوامل داخلی و خارجی در کنار هم در ایجاد بحران‌های قومی و عشایری نقش داشته‌اند. از این جهت، مقابله با چالش‌های احتمالی بالقوه، مستلزم توجه به هر دو عرصه داخلی و خارجی و برنامه‌ریزی‌هایی است که در آن با سیاست‌گذاری مبتنی بر توسعه کیفیت زندگی عشایری و طرح یک هویت ملی فراگیر به جای «کاهش‌گرایی هویتی» و نیز عدم استفاده ابزاری از مسائل عشایری از یکسو اتخاذ سیاست‌های خارجی مبتنی بر «منافع ملی» و درک شاخص‌ها و سازوکارهای نظام بین‌المللی از سوی دیگر؛ زمینه را برای اجتناب از چالش‌های جامعه عشایری و به تبع تهدیدات امنیتی فراهم سازد.

بی‌تردید تصور تجلی هویت ملی و امنیت ملی، مستقل و بی‌ارتباط با هویت گروه‌های قومی و اقوام و عشایر ایرانی؛ تقریباً محال است و خاطره تاریخ نیز مصداقی برای آن سراغ ندارد. با چنین تحلیلی، نقش عشایر در شکل‌گیری هویت ملی و تحقق امنیت ملی روشن می‌شود. در حقیقت، عشایر در عین تلاش برای حفظ علایق اولیه خود، دارای نوع‌گرایش برای جذب و ادغام داوطلبانه در جامعه بزرگتر جدید بوده و داوطلبانه، علایق اولیه زبانی، فرهنگی آن را می‌پذیرند تا بلکه بتوانند جایگاه مناسبی برای ادامه فعالیت‌های خود و نسل‌های پس از خود در آن جامعه پیدا کنند.

«تلاش برای حفظ هویت‌های ملی اولیه، جنبه غیر سیاسی داشته و با هویت ملی بزرگتری که در جامعه جدید وجود دارد، تضاد اساسی پیدا نمی‌کند» (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۵۷۲).

اما اگر در خصوص شناسایی هویت عشایر، مشکلی ایجاد شود؛ بی‌یقین در عینیت یسافتن هویت ملی نیز اختلالی ایجاد می‌گردد و به تبع در برقراری نظم و امنیت ملی هم مشکلی بوجود می‌آید. آنچه مشخص است عدم احترام نسبت به پیشینه و هویت عشایر و عدم رعایت انصاف در هنگام برخورد با عشایر در عرصه روابط اجتماعی در عرض جامعه، باعث می‌شود که «حقوق» و «آزادی» و به عبارتی، سایر نیازها، علایق و خواسته‌های عشایر محدود گردد که البته به محض محدود شدن آزادی و حقوق آنان در جامعه و همچنین نادیده گرفتن هویت شان؛ امنیت ملی تهدید می‌شود.

از این رو، ضرورت دارد که جهت تجلی هویت ملی و برقراری امنیت ملی در جامعه، به نقش و جایگاه عشایر بیشتر توجه گردد و بر همین اساس، ساختاری تنظیم شود که در آن: «حداقل عناصری چون: عدالت اجتماعی، تامین و رفاه اجتماعی، اشتغال، عدم استبداد، آزادی و حاکمیت مردم و مشارکت کامل آنها، توزیع دانایی و اطلاعات در جامعه، عدم اختلال اجتماعی، استفاده از نیروی فرهیختگان و دانایان، سازگاری اجتماعی، نظامی باز و واقعی و... وجود داشته باشند» (نونزاد، ۱۳۷۷، ص ۱۲).

از سوی دیگر، هر گونه اختلال در نظم و امنیت، باعث کاهش و تضعیف احترام و هویت عشایر می‌گردد. بنابراین بوضوح متوجه می‌شویم که بین عشایر و عناصری چون هویت ملی و امنیت ملی؛ رابطه‌ای غیرقابل انکار وجود دارد. به عبارت دیگر، باید پذیرفت که آنچه سرنوشت و هویت جامعه عشایری ما را با عاملی به نام «هویت ملی» گره می‌زند و امنیت چنین جامعه ای را تضمین می‌کند همانا اعتقاد به واقعیتی عینی به نام «منافع ملی» است. منافی که با منافع کل جامعه، مطابقت دارد.

«منافع ملی، همه کسانی را که در سرزمین ایران زاییده شده و با فرهنگ ایرانی تربیت یافته‌اند در بر می‌گیرند و مفهومی گسترده است که مجموعه‌ای از باید و نبایدها را در بر می‌گیرد و در درجه اول برای حفظ بقاء و تداوم زندگی مادی و معنوی ملت است» (رزاقی، ۱۳۶۹، ص ۷۱).

بدون شک، اعتقاد به همین عامل منافع ملی بوده است که سبب گردیده عشایر در جهت تجلی هویت ملی و تامین امنیت ملی، از هیچ سعی و تلاشی دریغ نورزند و از هیچ کمکی، کوتاهی نکنند. چنانکه همگان به نقش مهم عشایر در حفظ مرزهای ایران، واقفند و حضور مؤثر عشایر مرزنشین ایران و سایر اقشار عشایر غیرتمند کشور در صحنه‌های مختلف جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را به یاد دارند.

«منافع ملی، اصولی ترین منافع یک ملت را تشکیل می دهد. مجموعه آنچه که بین افراد یک ملت، مشترک است، آنان را وادار به دفاع از منافع ملی در برابر بیگانگان می کند و با ایجاد هویت و فرهنگ ملی، مانع از نفوذ فرهنگ بیگانه می شود» (همان، ص ۷۱).

بر این اساس، اگر عشایر نتوانند هویت راستین خود را بازابند، اگر نتوانند به نیروی ذاتی و ارزش وجودی خود پی ببرند، اگر نتوانند از ایرانی و مسلمان بودن خود احساس افتخار نمایند، اگر نتوانند تاریخ سرزمینشان را بشناسند و از آن پند بگیرند و ... بالطبع نخواهند توانست پایدار بمانند و در برابر یورش فرهنگ بیگانه تاب بیاورند. لذا ضروری است به هویت ملی، فرهنگ و منافع ملی بیشتر توجه گردد. چرا که منافع ملی، «مجموعه شرایط و امکانات پویایی است که تحقق نیازهای امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را میسر می سازد. این شرایط و امکانات، خود ملهم از وضع ژئوپلتیکی، ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ویژگی های فرهنگی و تاریخی یک جامعه و بالاخره جایگاه آن در صحنه بین المللی است» (باوند، ۱۳۶۹، ص ۴).

برخی از صاحب نظران، در همین راستا، منافع ملی را چنین تعریف می کنند:  
«اموری که ارزش آنها صرفاً مبتنی بر فایده‌ای است که برای ملت دارند» (آذگود، ۱۹۵۳، ص ۲۰۶).

به عقیده چنین پژوهشگرانی، مصادیق بیرونی منافع ملی، پدیده ها و ارزش‌های ذیل هستند: «حفظ سرزمین، حفظ استقلال و حاکمیت، حفظ نهادهای اساسی جامعه، حفظ شخصیت، تقویت قدرت ملی و کارآیی در اداره امور خارجی» (همان، ۱۹۵۳، ص ۲۰۶).



با عنایت بدین مطالب، می‌توان گفت که «منافع ملی»، مترادف با «امنیت ملی» است. منافع ملی، امنیت ملی و هویت ملی، همه عناصری هستند که هدف آنها کسب و حفظ ارزش هاست؛ همان ارزش‌هایی که پیش از این، مورد اشاره قرار گرفتند.

بر این اساس، لازم است مجموعه‌ای که هویت ملی، منافع ملی و امنیت ملی ما را می‌سازد، در ارتباط با مجموعه‌های تاثیرگذار منطقه‌ای و جهانی، مورد توجه قرار گیرد. یکی از این مجموعه‌های تاثیرگذار، همانا جامعه عشایر است. جامعه‌ای که باید آن را به درستی شناخت و به فرهنگ و هویت آن پی برد.

از این رو و با توجه به حساسیت موضوع، محققان ابعاد متعددی را جهت تقویت هویت ملی و به تبع تحکیم امنیت ملی کشور بر می‌شمارند که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

«شناخت تاریخ ایران از دورترین زمان‌هایی که مدارکی از آن در اختیار است. طبیعی است که شناخت تاریخی مزبور، می‌باید کلیه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ایران و مردم آن و چگونگی روابط با دیگر کشورها و مردم آنها را در بر گیرد... بازگشت به خویش و ریشه‌یابی هویت ملی با هدف ایجاد اعتقاد به نفس و غرور ملی، همراه با بازسازی حافظه ملی ایران و زدودن عقده‌های حقارت تحمیل شده بر ملت که به از خود بیگانگی انجامیده، ضرورتی تام برای جریان دادن نیروهای عظیم نهفته در مردم برای انباشت سرمایه و مغزها و یا به دیگر سخن برای تولید مستقل علمی، فنی، صنعتی و کشاورزی دارد...»

شناخت علمی و دقیق اقوام مختلف ایرانی و سنن و آداب و رسوم آنان و وجوه مشترک و اختلاف آنان و اهمیت کمی (تعداد آنان نسبت به کل جمعیت) و کیفی آنان (نقششان در حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران) و بالاخره ویژگی‌های طبقاتی و شغلی آنان ضرورت دارد. شناسایی تراکم مکانی و پایه‌های اقتصادی گروه‌های همبسته ایرانی نیز دارای اهمیت است. به همین ترتیب شناسایی آرمان‌ها و اهداف آگاهانه و ناخودآگاه هر قوم ضرورت دارد.

شناخت سرزمین ایران و ویژگی‌های جغرافیایی، آب و هوایی، خاک‌ها و سابقه تاریخی و رویدادهایی که در هر صحنه تاریخی واقع شده...

شناخت پوشاک و لباس ایرانی در گذشته و حال...

شناسایی تولیدات محلی و شناساندن آن برای گسترش بازار داخلی آن و جایگزینی آنها با کالاهای خارجی و نزدیک کردن مردم نقاط مختلف کشور به هم، از طریق پیوستگی اقتصادی...» (رزاقی، ۱۳۶۹، ص ۷۵).

مسئله‌آنگه شناخت فرهنگ و تمدن و هویت ایرانی از جمله هویت عشایر و همچنین آشنایی با گذشته پربار اقوام کشور و رفع نارسایی‌های اقتصادی - اجتماعی، همه می‌توانند در شکل‌گیری هویت ملی و ایجاد امنیت ملی، بسیار موثر واقع شوند.

### بحث و نتیجه‌گیری

حال اگر بخواهیم با توجه به تمامی این تفصیلات و بر پایه برنامه‌ها و سیاست‌های واقع بینانه، به یک نتیجه‌گیری کلی دست یابیم؛ باید به نکات ذیل، توجه بیشتری نماییم. نکات مورد اشاره، در حقیقت؛ خلاصه‌ای هستند از همه آن مطالبی که تاکنون گفته شده‌اند:

۱- لازم است که عشایر، بطور هدفمند و آگاهانه بکوشند تا همه ارکان زندگی و به عبارت دیگر شیوه تولید و معیشتی خود را با تحولات کشور و مقتضیات دنیای معاصر، تطبیق دهند.

۲- عشایر باید در مسیر تطبیق با شرایط متحول و متغیر جامعه؛ از کمیت یعنی اهمیت دادن بیش از حد به تعداد دام، به کیفیت یعنی افزایش محصول و بازده اقتصادی هر واحد دامی، روی آورند.

۳- ضرورت دارد به ساختار سنتی - اجتماعی عشایر و به عبارت بهتر به هویت عشایر، احترام گذاشت.

۴- باید اصلاحات اصولی در جهت سامان بخشی و بازسازی شیوه زندگی عشایر، انجام گیرند.


۵- لازم است به امکانات زیربنایی، خدماتی، رفاهی و بطور کلی به استانداردهای زندگی عشایری بیشتر توجه نشان داد و آنان را از تمام مزایا و حقوق طبیعی یک زندگی استاندارد با توجه به مسائل آموزشی و بهداشتی، برخوردار ساخت.

۶- به نابرابری‌ها و توسعه نیافتگی مناطق عشایری، بیشتر توجه نمود.

۷- لازم است که مبانی اولیه اطلاعات علمی و فنی مربوط به دامداری، مرتع‌داری و ... را به عشایر آموخت.

۸- در جهت رشد و توسعه صنایع دستی عشایر مانند: گلیم بافی، جاجیم بافی، قالی بافی و ... باید راهکارهای حمایتی و تشویقی به مرحله اجرا در آیند.

خلاصه اینکه اگر ما ویژگی هایی چون: تاریخ، فرهنگ، زبان، دین و سنن را به عنوان مهمترین خصایص هویت ملی تلقی نماییم باید بگوییم که میان عشایر و هویت ملی، رابطه ای مستحکم وجود دارد. اما این هویت ملی و به تبع آن امنیت ملی، زمانی پابرجا و استوار باقی خواهند ماند که ما نیز به هویت عشایر و به امنیت و رفاه (از جمله امنیت اجتماعی، امنیت شغلی، امنیت روانی و ...) آنان، توجه داشته باشیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- ۱- آزر، ادوارد ای و دیگری. امنیت ملی در جهان سوم. ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ اول: ۱۳۸۰.
- ۲- احمدی، حمید. قوم گرایی و امنیت ملی ایران. مجموعه سخنرانی و مقالات ارائه شده در همایش امنیت عمومی و وحدت ملی. تهران: ناشر معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، دفتر مطالعات و تحقیقات امنیتی. چاپ اول.
- ۳- اکبری، علی و دیگری. درآمدی بر شناخت ویژگی های جمعیت و جوامع عشایری ایران. فصلنامه مطالعات ملی. سال پنجم. شماره ۱. تهران: موسسه مطالعات ملی. ۱۳۸۲.
- ۴- صفی نژاد، جواد. ساختار اجتماعی عشایر ایران. فصلنامه مطالعات ملی. سال پنجم. شماره ۱. تهران: موسسه مطالعات ملی. ۱۳۸۳.
- ۵- کیواند، عزیز. زندگی عشایری، شیوه سنتی تولید و ضرورت های زمان. ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی. سال هفتم. شماره ۶۲ - ۶۱. تهران: موسسه اطلاعات. ۱۳۷۱.
- ۶- لرنی، منوچهر. امنیت ملی و دفاع از ارزش ها. تهران: معاونت آموزش سازمان عقیدتی سیاسی ناجا. چاپ اول. ۱۳۸۳.
- ۷- ملایی توانی، علیرضا. مجله آینده و تاریخ نگاری مبتنی بر هویت ملی. فصلنامه مطالعات ملی. سال چهارم. شماره ۱۴. تهران: موسسه مطالعات ملی. ۱۳۸۱.
- ۸- میزگرد عشایر و هویت ایرانی. فصلنامه مطالعات ملی. سال پنجم. شماره ۱. تهران: موسسه مطالعات ملی. ۱۳۸۳.
- ۹- نونزاد، مسعود. راهی به سوی توسعه پایدار. ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی. سال دوازدهم. شماره یازدهم و دوازدهم. مرداد و شهریور ۱۳۷۷.
- ۱۰- رزاقی، ابراهیم. توسعه تکنولوژی و منافع ملی. ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی. سال پنجم. شماره ۴۲ - ۴۱. بهمن و اسفند ۱۳۶۹.
- ۱۱- باوند، داود. گفت و شنودی درباره منابع ملی. ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی. سال پنجم. شماره ۴۰. دی ۱۳۶۹.
- 12- Osgood. R. Ibeal and interest in Americans foreign relations (chicago: Chicago university press) 1953 p. 206.